

تئاتر نامه

روزنامه یومیه بیست و نهمین جشنواره تئاتر استانی فارس

شماره نخست ، بیست آبان ماه هزار و سیصد و نود و هفت خورشیدی

به نام نامی پدید آورنده هنر

تئاتر بی تردید اصیل ترین منادی سخن از دل مردمان هر سرزمینی بوده و هست. هنری که در جان مایه خود تمام هنرها را به یادگار آورده است و همدلی و همبستگی تمامی هنرها به نمایش جلوه ای صد چندان بخشیده است.

در آستانه آغاز بیست و نهمین دوره جشنواره تئاتر استان فارس ، درود می فرستم بر تمام تلاشگران بی ادعای هنرهای نمایشی که در طی سالیان متمادی با حضور درخشان خود نام استان سرافراز فارس را در ایران اسلامی طنین انداز شده اند.

آرزوی سلامتی و شادکامی از خدای مهربان دارم برای تمام هنرمندان هنرهای نمایشی خصوصا هنرمندان پرتلاش فارس که با همتی عظیم با تمام موانع و مشکلات ایستاده اند و به رسالت تئاتر که همانا آگاهی و آگاهی بخشی است پایبند مانده اند.

جشنواره ها محل مناسبی برای تبادل نظرات و تجربیات ارزنده ای است که به آسانی به دست نیامده اند و مهم تر آنکه محلی برای گردهمایی عزیزانی است که عاشقانه به تئاتر عشق می ورزند و برنده واقعی این رویداد سالانه تمامی شما عاشقان و هنرمندان خواهید بود.

درود بر شما و همت پایدارتان

صابر سهرابی

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس

شیراز آبان ماه ۱۳۹۷



بدل نخبندی ابروی نایش بی جشنواره	تئاتر استانی بیست و نهمین جشنواره تئاتر استانی فارس	تئاتر استانی بیست و نهمین جشنواره تئاتر استانی فارس	تئاتر استانی بیست و نهمین جشنواره تئاتر استانی فارس
۹۷/۸/۲۰	آیین افتتاحیه و نهمین جشنواره تئاتر استانی فارس محوطه بیرونی تالار حافظ - ساعت ۱۴		
۹۷/۸/۲۰	کابوس کاووس مجنتی حسینی قیری قبر و کارزین - ۶۰ دقیقه	تم، بارپد هادی امامی مقدم مروندشت و اقلید - ۶۰ دقیقه	روز عزیز زمره امیر علی محمودی شیراز - ۴۵ دقیقه
۹۷/۸/۲۱	صور اسرار میل سامان مختار زاده کارزین - ۶۰ دقیقه	دوران استراحت مهرداد حیدری شیراز - ۵۰ دقیقه	تون سیاه صادق علیپور شیراز - ۶۰ دقیقه
۹۷/۸/۲۲	گذشتن از گذشته ای که نمی گذرد ابوالفضل قهرادی شیراز - ۷۰ دقیقه	داستان عرب شیکاوا محمد جواد صفایی لاورد - ۵۰ دقیقه	یک بهتر از ده رقت و بهشت سید محمد هاشم زاده شیراز - ۸۰ دقیقه
۹۷/۸/۲۳	آیین اختتامیه و نهمین جشنواره تئاتر استانی فارس تالار حافظ - ساعت: ۱۸		

جلسات نقد و بررسی نمایش های جشنواره، هر شب ساعت: ۲۱ در تماشاخانه بامداد

به نام خدایی که در سینه مهر آفرید.

سلام به دوستان و تئاتر پیشگان و اهالی تئاتر فارس.

برای تمام شما گرامیان حاضر در جشنواره، آرزوی توفیق دارم. منظورم از توفیق جایزه گرفتن در جشنواره نیست. که البته هرگز جایزه برای تئاتر پیشگان راستین، هدف نبوده و آرزو میکنم که هرگز نباشد.

منظورم از توفیق، ایجاد و حفظ روحیه بشاش و داشتن انرژی مضاعف و تقویت روحیه تعاون است.

خصلت همبستگی و تعاون نه فقط بین مجریان یک گروه بلکه با سایر گروه های نمایشی مفهوم اصلی خود را پیدا میکند.

پیروزی در جشنواره هنگامی است که آن مرتبتی رسیده باشیم که توفیق سایر گروه ها در هر زمینه ای موجب انبساط خاطرمان بشود که این نمایانگر تعالی روحیه هنری ماست.

پیروزی در جشنواره زمانی است که بتوانیم توجه مخاطب را به اثر هنریمان معطوف کرده باشیم و موجب شویم تا او را وادار به تفکر کنیم و با رضایت، جایگاه تماشگر را ترک کند.

ارادتمند و دوستدار همگی شما.

«احمد سپاسدار»

تئاتر نامه

روزنامه یومیه بیست و نهمین جشنواره تئاتر استانی فارس

شماره نخست ، بیست آبان ماه هزار و سیصد و نود و هفت خورشیدی

سر مقاله:

بیست و نه سال از عمر جوانی به نام جشنواره تئاتر استانی فارس می گذرد، جوانی که سال دیگر دهه سوم عمرش را به پایان می برد و پا در دهه چهارم زندگی میگذارد.

روایت این سالهای جشنواره تئاتر استانی، شباهتی عجیب دارد با آدمهایش با آنان که عاشقانه این راه را پیمودند و در مسیر خاطراتی تلخ و شیرین را نظاره گر بودند. جشنواره تئاتر استانی پس از چند سال فراموشی از پدر و مادری متولد شد که نام بلند قطب تئاتر ایران را به دوش می کشیدند. در سالهای نخست گامهای کوچکی برمی داشت و در همان کودکی توانست مورد اقبال و توجه قرار بگیرد. زمانی که هم دوره های دیگرش در اقصی نقاط ایران هنوز به راه نیافتاده بودند. در 7 سالگی خواندن و نوشتن آموخت، در دوران دبیرستان جسارت آزمودن تجربه هایی نو را یافت تا دیپلم گرفت.

جشنواره تئاتر استانی، یک سال از عمرش را به جبر زمانه غایب بود و باز با نفسی تازه بازگشت. در جوانی کسب عناوین و موفقیت های متعدد را در جشنواره های فجر و حتی فراتر از مرزها تجربه کرد. باز مشغول آموختن شد و سعی کرد بهتر از قبل ظاهر شود. هر چند امروز روزگار چندان خوشی ندارد.

جشنواره ای که کودکی را در تالار ابوریحان سپری کرد و نوجوانی را در فرهنگسرای مولوی ، جشنواره ای که در پستوها و حیاط پشت قهوه خانه ها قد کشید و عاشقی کرد ، چند وقتی است فراموش شده است.

هم بازی های کودکی اش بزرگ شدند، تلاش کردند، نگذاشتند خانواده تئاترشان به جبر مشکلات طعم مهاجرت را بکشد. اما تئاتر فارس همچون ارکستری از تک نوازان در هر گوشه جرقه ای زد و ایستاد.

امروزه تئاتر فارس جوانی است با مدرکی زیر بغل، عاشق بیسه که دلش خانه ای می خواهد، همدمی و فرزندانی که بتواند به وجودشان غم سالها از دل برون کند. امروزه بیست و نهمین سالگرد تولد این جشنواره است، جشنواره ایی که اشک ها و لبخندهای بسیاری را در دل خود نهان کرده و هرگز به اندازه امروز، کم تعداد به میدان نیامده است.

به عنوان یکی از همراهان این جشنواره از سال هفتاد و یک که تماشاگر پنج نمایش در آن بودم که بیست و شش سال از آن روز میگذرد، این چنین دلتنگ روزهای اوج این جشنواره نبوده ام.

صحنه جشنواره تئاتر استانی، همانند صحنه اجرای تئاتر سرشار از ورودها و خروج هاست. از گریم ها و لباس های متفاوت، تیپ سازی های و شخصیت پردازی های پیدا و پنهان آدمهایی با نام های ماندگار، فراموش شدگانی از جنس دروغ و خوب هایی که همیشه جایشان اینجا زیر نور صحنه ها خالی است. جشنواره تئاتر استانی شاید تنها گردهمایی سالانه عاشقان تئاتر فارس باشد. از حضور تمام دلباختگانی که برای تئاتر هر چه داشته اند، گذاشته اند و همواره کمتر دیده شده اند.

عمر جشنواره تئاتر همانند عمر ما میگذرد. در این میانه عده ای می روند، عده ای می مانند، پس از چند روز اجرا ، در هر گوشه سالن ، در نهایت در چشم بهم زدن پرونده بیست و نهمین دوره هم بسته می شود و خلاص.

در اعماق وجودم امیدوارم، همچنان امید آن دارم که امسال، سال بهتری برای تئاتر فارس باشد، امیدوارم که مهربان تر باشد، بدون شعارزدگی های مرسوم ، شعورمند در کنار هم باشیم و بگذاریم تئاتر نفسی تازه بکشد.

جشنواره بزرگ شود، روی پای خودش بایستد، سقفی محکم داشته باشد، عاشق شود و نسل آینده اش خیلی پیش رو تر از ما گام بردارد. که آدمی به امید زنده است.

پس زنده باد امید...

نوید جعفری

آبان نود و هفت

تیار ت نامه

روزنامه یومیه بیست و نهمین جشنواره تئاتر استانی فارس

شماره نخست ، بیست آبان ماه هزار و سیصد و نود و هفت خورشیدی

«روز عزیز مرده»

نویسنده: محمد چرمشیر

طراح و کارگردان: امیر علی محمودی

با بازی: مریم میان دور

مدیر صحنه: محمد مهدی گرانی

طرح و اجرای نور و صدا: ارمین ایزد

پناه

طراح لباس: مریم میان دور

طراح پوستر: حسین نادری

عکس: پگاه پور اسماعیل - سحر ویسه

خلاصه نمایش:

یکی بود که گفته بود ادما روز به روز و لحظه به لحظه فراموش میکنند هیچ وقت نمیفهمند چی رو فراموش میکنند و چقدر فقط وقتی میفهمند که نیاز دارند به خاطر بیارن اونوقته که میفهمند چی فراموش کردن و چقدر....

بیست آبان ، میدان گاز ، بوستان آزادی

تماشاخانه استاد هودی

«تم، مارپله»

نویسنده و کارگردان: هادی امامی مقدم

بازیگران: سحر وراوی پور - محمد روستا - میثم دیندارلو - ویانا راستگو - هادی امامی مقدم

تهیه کننده: جواد زارع

دستیار کارگردان: میثم دیندارلو

مشاور: سجاد شگری

طراح صحنه: هادی امامی مقدم

گريم: سوزان خباز - رادوین دانشمندی

نور و موسیقی: اشکان امیدوار

طراح لباس: فاطمه وراوی پور

طراح پوستر و پرورشور: حاتمه شعبانی

مدیر صحنه: علی عظیمی

منشی صحنه: علی اسفندی

تولیدی مشترک از انجمن هنرهای نمایشی شهرستانهای مرودشت و اقلید

با همکاری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان مرودشت

خلاصه نمایش:

بهراد پنج سال است که از بکتاش جدا شده است. آنها در گذشته رابطه خوبی داشته و شریک کاری هم بوده اند. اکنون بعد از پنج سال بهراد، برای از بین رفتن کدورتها و برقراری ارتباط دوباره، بکتاش و همسرش روژان و دخترشان رز را به مراسم جشن تولد آرش پسرش، به همراه مهمانهای دیگر، دعوت میکند.

بهراد تم این مراسم را مارپله میگذارد. تمام لباس ها و میوه ها و هرآن چیزی که در مراسم جشن تولد است با تم مارپله میباشد.

زمان: یکشنبه بیستم آبان

مکان: شیراز، چهار راه حافظیه، تماشاخانه استاد سپاسدار.

«کابوس کاووس»

کاری مشترک از گروه های نمایش ققنوس شهر و نفیر قیروکارزین و مکعب شیراز

نویسنده و کارگردان: مجتی حسینی قیری

(بر اساس طرحی از محمد روستا سکه روانی)

بازیگران: اشکان پارسا فر، لیلا قلی پور، محسن احمدی، فرزاد لطفی، احسان غلامی فرد،

احمد همتی، اعظم مرتضوی، حامد چابک، مهدی محیط، لیلا حسینی، احمد رضا فرهمندپور

فاطمه غلامی، احمد رضا چکن

موسیقی: مجتی هادی پور (تار-سه تار)-فرشید نعمتی (کمانچه)-حسین شاکری (دایره)

غلامرضا قنبری (افکت).

عوامل اجرایی:

سرپرست اجرایی: فرزاد بیطرف حقیقی

دستیار کارگردان: سیاوش صفری

مشاور کارگردان، طراح نورو صحنه: روح الله اسماعیلی

طراح لباس: مژده پیشدست

طراح گریم: محمد مهدی ستوده-فرزانه رادفرد

طراح پوستر و پرورشور: سارا ظریف صناعی

اجرای نور: حسام عباسی

اجرای دکور: مهدی محیط-احمد رضا فرهمندپور-علیرضا میرزایی-سید علیرضا مرتضوی

مدیر صحنه: فاطمه غلامی

منشی صحنه: سپیده کشاورز

عکاس و فیلمبردار: حسن رسولی

نقاش: خدیجه موسوی

دوخت لباس: نجمه فضلی

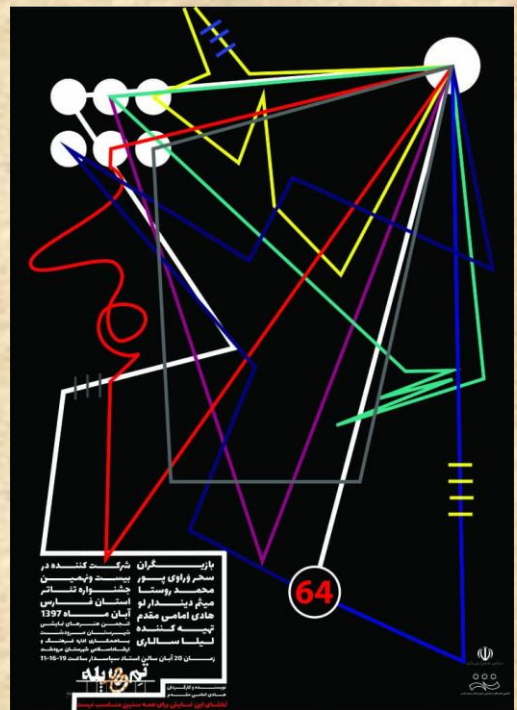
خلاصه نمایش:

در یک آبادی دور اردوان و آونگ شیرینی خورده هم هستند اما قوانین بیگ خان مانع از

عروسی آنها میشود تا اینکه تصمیمی میگیرند...

زمان: یکشنبه بیستم آبان

دروازه کازرون، نبش خیابان کارگر تماشاخانه استاد لایق



تیار ت نامه

روزنامه یومیه بیست و نهمین جشنواره تئاتر استانی فارس

شماره نخست ، بیست آبان ماه هزار و سیصد و نود و هفت خورشیدی



«تیار ت نامه»

روزنامه روزانه بیست و نهمین جشنواره

تئاتر استانی فارس

انجمن هنرهای نمایشی فارس

سر دبیر: نوید جعفری

نایب: معصومه کامکار

با سپاس از ستاد اجرایی بیست و نهمین

جشنواره تئاتر استانی

سفرنامه میرزا نوید اعتماد الدوله جعفری از سفر به شهر راز و دیدار از جشنواره تیار

ولایت فارس

در دیمین روز از ماه ربیع الاول سنه ۱۴۴۰ بندگان همایون به شهر تشریف بردند و مقصودشان از آمدن به شهر به سنت هر ساله تماشای اپرت و تیار ت بوده است تا روح را جلا داده و به دور از قال و قیل زمانه دمی با دلبر جانان خلوت نمایند.

چنانچه از ایام پیشین در خاطر این حقیر مانده ، این است که همواره جشن باره یا آنگونه که متجددین می نامند ، جشن واره همانا آیینی است در جهت گرد هم آمدن عمله طرب و تیار ت در جوارهم تا هر کدام به هنری دلبری نموده و گوی سبقت از یک دگر در نظر عالمان هنر تیار ت برابند تا در انتها انکه مقبول تر افتد به سکه های زر و مسکوکات و جواهرات گرانبها و الواح یادبود دست افشان و پای کوبان دلخوش به رفتن به پایتخت فیس نماید.

باری اما هر آنچه بنده حقیر اعتماد الدوله جعفری به یاد دارم آنست که هر ساله پایتخت نشینان به هر بهانه این دلشادان را با اشارت دستی حواله به دگر سال داده اند تا امسال نیز نظاره کنیم که چه پیش آید و چه مقبول افتد.

آنطور که بندگان همایونی و مخبرین خبر آورده اند گویا دبیر این جشنواره از اساتید به نام و اکتورهای نامی میرزا احمد خان عزیز السپاسدار است که ایامی چند در این راه ممارست بسیار نموده و رنج بسیار برده است. آنچنان که در این ایام موی سر چونان دندان سپید نموده است. از سوی دیگر جوانکی سپید موی نیز در آن حوالی رویت شد که گویا ید طولایی در قلمفرسایی و اکتوری داری به نام افشین الدوله محمودی که چون اسفند بر آتش از سوئی به سوی دگر روانه است.

آنگونه که به فراست دریافتم گویا مهمانانی معظم از بلاد جابلقا و جابلسا در رهند تا به دیار فارس و شهر راز پا نهند و از طلوع آفتاب سیم تا غروب ششم ربیع الاول مصادف با بیست تا بیست و سومین روز از آبان خورشیدی مستمرا به تماشای تیار ت و جدال در پی این ارجح تر یا ان دلنشین تر پرداخته و به غایت مو از ماست برون کشیده تا آنکه شایسته تر را برگزینند و رهسپار دیار طهران کنند که اگر بشود و باشد و از آسمان سنگ نبارد و طوفان نشود و چه شود که اینان هم در آن دیار پنجه در پنجه دگر پهلوانان و نام آوران هنر تیار ت بلاد ایران افکنند و آنکه اول شد از ثروتی عظیم بهرمند.

مشاهدات حقیر در گام نخست این مسیر چنین بود که نبشته ام ، باشد که چون سپیده بدمد و بنده در رکاب اکتورها و سایر عمله طرب و هنر به تماشاخانه ای ره پیدا نموده و مشاهدات خود را بی هیچ واسطه به سمع و نظر شما جانان برسانم . فی الحال ، باقی بقایتان

اعتماد الدوله جعفری

دیم دبیع الاول ۱۴۴۰ هجری قمری

۱۹ آبان سنه ۱۳۹۷ خورشیدی